

آتش انتقام یا افراط گرایی خشونت آمیز؟ جنگ های ابدی و هزینه های فراموش ناشدنی ضرورت دستیابی به فرصت های معیشتی پایدار

هیچکسی از این قاعده مستثنا نمی باشد
یک ربع قرن ترس و خیالپردازی
پس منظر افغانستان در یک نگاه
حدود و ثغور شریعت

آتش انتقام یا افراط گرایی خشونت آمیز با استفاده سیستماتیک از خشونت بمنظور پیشبرد ایدئولوژی های رادیکال و تلافی جویانه گفته می شود که امنیت جهانی و حقوق بشر را تهدید می نماید. درمورد ابعاد و خطرات افراط گرایی خشونت آمیز، نکات زیر قابل یا ددهانی پنداشته می شود: انتقام جویی کورکورانه، بگونه معمول چرخه بی پایانی از خشونت را ایجاد می نماید که دوست و دشمن نمیشناسد. ریشه های این پدیده در برگیرنده بحران های هویتی و تفسیرهای انحرافی دینی یا سیاسی و فشارهای اجتماعی و امنیتی میباشد که پیامدهای آن، از بین رفتن صلح پایدار، آوارگی شهروند ان، تخریب زیرساخت ها و تهدید امنیت انسانی از نتایج مستقیم آن می باشد. تقویت آموزش فراگیر، ترویج فرهنگ مدارا و گسترش صلح از ابزارهای کلیدی مقابله با این بحران بشمار میروند. افراط گرایی مذهبی، یکی از موانع قابل ذکر در برابر صلح و امنیت بین المللی بشمار میرود. درمیان تحولات امنیتی سال های پسین، افراط گرایی بمثابة حادثه ترین و پیچیده ترین مشکل و معضلی پنداشته می شود که بخودی خود، نظام بین الملل با آن روبرو می باشد.

درابتدا و آغاز امر، از روابط و مناسبات افغانستان و پاکستان که بدلائیل گونه گونه ای، از جمله یکی هم در نتیجه درگیری ها و ستیزه جویی های فرا مرزی و درمورد ادعاهای اداره اسلام آباد و نسبت دادن انجام اقدامات تخریبکارانه در پاکستان به "تحریک طالب های پاکستان" که گویا درسرزمین متعلق به کشور عزیزما مستقر میباشند، تیره و تار گردیده، ادعاهای که توسط "طالب" ها رد شده و از موجودیت و حضور مخالفان مسلح پاکستان در اراضی کشور انکار ورزیده و آنرا بشدت رد می نمایند، واقعیت هایی بازگو گردیده و تذکر بعمل آمده است که با موضعگیری های اینچنینی، اداره اسلام آباد با استفاده و بکارگیری از تمامی امکانات، مناطق مورد نظر در کشور ما را مورد بمباردمان های هوایی قوت های نظامیان آن کشور قرار داده و گاه و بیگاه، هواپیماهای اکتشافی نظامیان پاکستانی در قلمرو فضایی کشور ما گشت زنی می نمایند. در واقعیت امر، می توان مدعی گردید که بین دودولت، "جنگ آشکار" اعلام گردیده است. بگونه مشخص درباره تاریخچه افراط گرایی خشونت آمیز در جهان بمفهوم عام کلمه و در کشور عزیزما بمفهوم خاص کلمه باید یاددهانی بعمل آید که بویژه پس از حوادث و اتفاقات تکوین پذیرفته در کشور، در امتداد سال ۱۳۵۷ خورشیدی، عده ای از شهروندان کشور، بکمک ویاری مدعیان غربی و بدلائلی در موضع مخالفت و تضاد با تغییرات در شرف ظهور در کشور، قرار گرفته و به مقاومت در قبال حاکمیت جدید پا گرفته در کشور آغاز نمودند. کشور عزیزما افغانستان، بویژه پس از عودت قطعات محدود نظامیان شوروی بکشورشان، درگیر جنگ قدرت خشونت آمیزی بین جناح های رقیب

گردید که در نتیجه، شهر کابل ویران گردیده و هرج و مرج و درگیری های مسلحانه سراسر کشور را فرا گرفت. بیثباتی و نبود امنیت، در نهایت و آخر امر منجر به پیدایش و شکل گیری "طالب" ها شده که در اول امر و مراحل نخست، با وعده برقراری صلح و اعاده نظم، حمایت شهروندان کشور را بخود جلب نمودند. "طالب" ها در امتداد زمانی پس از تصرف کابل، "امارت اسلامی افغانستان" را تأسیس نمودند. رژیم و حاکمیت یادشده، بر بنیاد استبداد مذهبی بسیار متمرکز قرار داده شده و با اجرای عملی تفسیر و نوع برداشت شان از قانون و ضابطه های مبتنی بر شریعت را در امر توسعه و گسترش نهادهای دولتی ارجحیت دادند. در محیط و فضای یادشده، همه گروه های بنیادگرای اسلامی، از جمله "القاعده"، از اراضی و قلمرو کشور عزیز ما بصفت پایگاهی بمنظور جلب و جذب و آموزش جنگجویان و بمثابه تخته خیزی به هدف اعزام افراط گرا ها بکشور های دیگر استفاده بعمل می آوردند.

زمانی که "طالب" ها، بویژه پس از حملات ۱۱ سپتامبر، از تحویلی بن لادن، رهبر گروه "القاعده"، ابا ورزیدند، نظامیان ایالات متحده و هم پیمانان شان باراضی کشور ما یورش برده و انجام عملیات مسلحانه در کشور ما را بمثابه بخشی از "جنگ علیه ترور" بخورد دیگران دادند. با سرنوشتی حاکمیت "طالب" ها توسط نظامیان یادشده، رهبران آنها بآنسوی "خط دیورند" پناه برده و از آنجا جنگ و درگیری های مسلحانه را علیه نیروهای امنیتی و دفاعی کشور و قوت های بین المللی آغاز و دنبال نمودند. با وجود آنکه دولت پاکستان، در ظاهر امر با عملکردهای ایالات متحده در امر "مبارزه علیه تروریسم" همسو و موافق بود، اما این اسلام آباد بود که در امر حفظ و نگهداری و حمایت های گسترده و همه جانبه "طالب" ها، بویژه پس از فروریزی حاکمیت آنها در کابل، نقش اساسی و عمده ای ایفا کرده و آنها را ابقا نمود. سازمان اطلاعات داخلی پاکستان (آی. اس. آی)، پیوند ها و مناسبات پنهانی خویش را با گروه یادشده، همچنان حفظ نموده و منابع هنگفت مالی و تسلیحاتی را بگونه سخاوتمندانه ای در اختیار آنها قرار داده و بگونه همه جانبه ای از آنها حمایت و پشتیبانی بعمل آوردند که بخودی خود، شرایط و وضعیت مساعدی را بمنظور تداوم فعالیت ها و عملکردهای آنها مساعد و مهیا نمود.

در مقطع زمانی که نیروهای ائتلاف برهبری ایالات متحده، راسمن مأموریت جنگی شان را در امتداد سال ۱۳۹۲ خورشیدی باختتام رسانیدند، نیروهای امنیتی و دفاعی کشور ما مسئولیت امنیت افغانستان را عهده دار شدند، با وجود اینهمه، نیروهای یادشده در امر مبارزه علیه شورشیان و در امر دفاع از محلات بود باش شهروندان کشور با مشکل مواجه بود. در نتیجه حملات مخالفان مسلح، تلفات سنگینی به نیروهای امنیتی و دفاعی کشور وارد گردیده و در درازنای شش سال تمام، جنگ در بن بست و بلا تکلیفی قرار گرفت. در همین حال، در امتداد سال ۱۳۹۳ خورشیدی، گروه جدید و نوپید ای تروریستی دیگری تحت نام "دولت اسلامی" خودخوانده (داعش خراسان) از پیکر "طالب های پاکستان"، "القاعده" و جنگجویان "طالب" ها پابعرضه وجود نهاد که پایه گذاری خلافت بر بنیاد شریعت در سراسر منطقه تاریخی خراسان در برگیرنده افغانستان، ایران، پاکستان و آسیای مرکزی را هدف اصلی خویش اعلام نموده و بمثابه عامل الهام بخش حملات علیه مناطق غرب در سراسر آسیای مرکزی و جنوبی مبدل گردید.

در امتداد ماه دلو سال ۱۳۹۸ خورشیدی، پس از بیش از یک سال مذاکرات مستقیم دولت ایالات متحده با "طالب" ها، در نتیجه، برپای توافقنامه دوحه صحه گذاشته شد که بر بنیاد آن، جدول زمانی فرا خواندن نظامیان امریکایی از اراضی متعلق بکشور ما را معین و مشخص می نمود. بر بنیاد تعهد نامه یادشده، ایالات متحده متعهد به فرا خواندن تدریجی نظامیان آنکشور از اراضی متعلق به افغانستان گردیده و در مقابل، "طالب" ها نیز تعهد سپردند تا از استفاده و بکارگیری از اراضی و قلمرو افغانستان بمنظور انجام فعالیت های گروهی تروریستی جلوگیری بعمل آورده و با دولت افغانستان وارد مذاکره و گفتگو گردند. در امتداد ماه حمل سال ۱۴۰۰ خورشیدی، جوبایدن رهیس جمهوری آنزمان ایالات متحده، اعلام نمود که نظامیان کشورش الی ماه سنبله سال یادشده، از اراضی متعلق به افغانستان فراخوانده خواهند شد. اما به تاریخ ۱۵ ماه اسد سال ۱۴۰۰ خورشیدی، تمام برج و باروی حاکمیت در کشور از هم فروپاشید.

قابل یاددانهی پنداشته می شود که "طالب" ها، با وجود مذاکرات صلح جاری با طرف دولت افغانستان، مبارزه و رقابت بی امانی را بمنظور وسعت ساحه تأثیرگذاری شان در سراسر میهن عزیز ما همچنان ادامه داده، به یورش ها و حملات شان به مراکز و پایگاههای قوت های امنیتی و دفاعی کشور، سرعت بخشیده و با شتاب به تصرف مناطق و محلات بشری همت گماردند. در امتداد ماه ثور، واشنگتن، فراخواندن نظامیان امریکایی را سرعت بخشید. تا پایان ماه سرطان سال یادشده، ایالات متحده حدود ۹۵ درصد از نظامیان را از کشور ما فراخوانده و فقط بتعداد ۶۵۰ تن را در کشور ما باقی گذاشتند. "طالب" ها در امتداد سال یادشده، به پیشروی ها و تصرف مناطق و محلات مختلف کشور ادامه داده، مناطق شهری تحت اداره دولت را مورد تهدید قرار داده و چندین گذرگاه مرزی کشور را متصرف گردیدند.

بتاریخ ۱۵ ماه اسد سال ۱۴۰۰ خورشیدی، "طالب"ها مرکز ولایت نیمروز کشور را نیز متصرف گردیده که برین بنیاد، مراکز ولایت های دیگر کشور نیز، یکی پی دیگر سقوط نموده و "طالب"ها بر آنها حاکم گردیدند. بتاریخ ۲۴ ماه اسد سال ۱۴۰۰ خورشیدی، قبل از دو هفته از مهلت و زمان تعیین شده خروج نظامیان امریکایی از کشور ما، جنگجویان "طالب"ها وارد کابل شده، اشرف غنی پا بفرار گذاشته و در نتیجه، دولت پس از اینهمه واقعات اتفاقیه، از هم فروپاشیده و چیره شدن "طالب"ها بر جغرافیای کشور را در پی داشت. همزمان با آن، اداره واشنگتن بر هبری جوابیدن تصمیم گرفت تا با اعزام پنج هزار تن از نظامیان تازه نفس به تخلیه کارکنان امریکایی و همچنان هزاران تن از آنده از شهر و ندان کشور ما که با نظامیان ایالات متحده، در امتداد زمانی موجودیت و حضور آنها در افغانستان همکاری نموده بودند، اقدام نمود. اما بتاریخ ۴ ماه سنبله سال ۱۴۰۰ خورشیدی، یکن بمب گذار انتحاری در خارج از میدان هوایی کابل، با انفجار مواد انفجاری همراهش، بتعداد ۱۷۰ تن از شهروندان افغان و ۱۳ تن از نظامیان امریکایی رابخاک و خون کشاند که در نوع خود بمثابة مرگبارترین و سیاه ترین روز برای نظامیان امریکایی، بویژه پس از سال ۱۳۹۰ خورشیدی تبدیل گردید.

مسئولیت حادثه یادشده را "داعش خراسان" بر عهده گرفت.

آنچه از شهروندان کشور که در شرایط و وضعیت حاکمیت "طالب"ها در میهن بسر میبردند، برین واقعیت صحنه میگذار ند که شاهد از دست رفتن دوده دستاوردهای لیبرال و دموکراتیک در کشور بوده اند، از جمله ممنوعیت دختران از ورود بمدارس متوسطه، همراه بودن یکی از بستگان مرد با بانویی که از منزل خارج گردیده و سفر می نماید، بانوان باید در ملأی عام، تمامی سروسورت شان را بپوشانند و...

در کنار اینهمه، خطر بالای حملات تروریستی و بمب گذاری ها، حیات شهروندان کشور را تهدید می نماید. بر بنیاد گزارش سازمان ملل، در شرایط و وضعیت کنونی، افغانستان با یکی از بزرگترین و فراگیرترین بحران های انسانی جهان دست و پنجه نرم می نماید. در امتداد سال ۱۴۰۴ خورشیدی، بیش از نیمی از شهروندان کشور یا بتعداد ۲۲،۹ میلیون تن آنها بکمک های بشردوستانه نیاز داشتند. افزون بر آن، بتعداد ۲۸،۱ تن از شهروندان با سوء تغذیه مواجه بودند. با وجود معاونت های بشردوستانه، کمک های بین المللی بشدت کاهش یافت که می توان وضعیت اینچنینی را بی میلی و عدم علاقه غرب در امر تعامل با "طالب"ها، از یکجانب و از جانب دیگر ناشی از درماندگی گسترده کشور های اهدا کننده محسوب نمود. از جانب دیگر، ادامه تحریم ها و عدم فعالیت آنچنانی بانک مرکزی، بنحوی اسباب رکود اقتصادی در کشور را فراهم نمودند.

در باره موارد مختلف و گونه گونه ستیزه جویی های فرامرزی در پاکستان باید متذکر گردید که بخش اعظمی از روا بط و مناسبات فرامرزی که سبب سازتداوم شورش "طالب"ها گردید، پس از عودت و تصرف مجدد قدرت توسط آنها، بیشتر از قبل تداوم یافته و در نوع خود، پیامدهای آن بگونه فزاینده ای در تضاد با منافع اداره اسلام آباد بود. دو لت پاکستان در ابتدای امر، تسلط "طالب"ها بر حاکمیت سیاسی کشور ما را جشن گرفته و به پایکوبی پرداختند، اما دیری نپایید که شادی و خرسندی نظامیان پاکستانی، بویژه با پا بعرضه گذاشتن مجدد "تحریک طالب های پاکستان"، به یأس مبدل گردیده و فضای امنیتی پاکستان بسرعت رو بوخامت نهاد، چه، با حاکم گردیدن "طالب"ها در کشور، شرایط بمنظور ایجاد پناهگاه های امن برای جنگجویان طالب های پاکستانی فراهم گردید تا باجرای گسترده اقدامات تخریبکارانه شان تداوم بخشند.

نباید فراموش نمود که پس از یکدهه، بویژه سال ۱۴۰۴ خورشیدی به مرگبارترین سال برای اداره اسلام آباد مبدل گردید. تعداد کشته شده های جنگ، ۷۴ درصد افزایش یافته و به بیش از ۳۴۰۰ تن رسید. پاکستان که زمانی متحد و دوست "طالب"ها بود، به یکبارگی خود را در یک رابطه آشکار خصمانه و وضعیت بلا تکلیفی می بیند، چه، حملات "تحریک طالب های پاکستان" همچنان ادامه دارد که بر بنیاد ادعای اداره اسلام آباد، امر اینچنینی، اصل پویایی منطقه بی را بگونه ای غامض و پیچیده تر خواهد نمود.

"طالب"ها در افغانستان، از موجودیت و حضور "طالب های پاکستانی" در حدود و ثغور جغرافیای کشور انکار می ورزند، چه، آنها اصلن تمایل و علاقه ای باعمال فشار بگروه یادشده ندارند. موضعگیری اینچنینی بدلائیل ذیل اتخاذ می گردد: هراس از اینکه اعمال فشار بر آنها، سبب خواهد گردید تا جناح های تند رو گروه یادشده بجانب "داعش خراسان" میلان نمایند، این اولن و دوم هم اینکه دولت پاکستان، مذاکرات با "تحریک طالب های پاکستان" را دنبال نمود، اما ملاقات ها و مذاکرات اینچنینی به شکست مواجه گردید. از جانب دیگر، "داعش خراسان"، معضل و مشکل دیگری را نیز ایجاد خواهد نمود، چه، با وجود تحمل شکست های پیهم و عقب نشینی های پی اندر پی، تا هنوز هم از توانایی و

امکانات انجام حملات تخریبکارانه، چه در داخل کشور ما و چه در پاکستان، برخوردار می باشد. "داعش خراسان"، فراتر از منطقه بنداوم جاه طلبی هایش ادامه داده و صدها تن از شهروندان روسیه، ترکیه و ایران را از زندگی ساقط نموده است که از جمله می توان تیراندازی های ماه حمل سال ۱۴۰۳ خورشیدی در مسکورا نام برد که سبب به خاک و خون کشیدن ۱۳۹ تن گردید.

بخاطر ما باشد که تهدیدهای تروریستی "تحریک طالبهای پاکستان" و "داعش خراسان" با حضور بازیگران شبه نظامی در منطقه، تشدید گردیده، شورش بلوچ ها که ریشه در الحاق این منطقه به پاکستان در امتداد سال ۱۳۲۸ خورشیدی دارد، از شورش های قبیلوی بیک جنبش ملی گرایانه بالاجرای عملیات پیچیده ای مبدل گردید، از نخستین ماه های سال ۱۴۰۴ خورشیدی، جناح هایی از ارتش آزادیبخش بلوچستان، حملات پیچیده تری را که بنحوی از انحاء از تعمیق نارضایتی هایی از سیاست های دولت پاکستان نمایندگی می نمود، از قوه بفعل مبدل نمودند.

اما در مورد درگیری هایی بین "طالب" ها و نظامیان پاکستانی، قبل از همه، این مسأله قابل تأمل پنداشته می شود که عمده ترین موضوع مورد مناقشه، از جمله یکی هم ادعای پاکستان در مورد حمایت های "طالب" ها در افغانستان از "تحریک طالب های پاکستان" بمثابة عامل تنش بین دو کشور پنداشته می شود. بر بنیاد اظهارات و ادعای طرف پاکستانی، قوت های هوایی آنکشور، مناطقی در افغانستان را بگمان موجودیت طالب های پاکستانی، مورد حملات هوایی و بمباردمان قرار دادند. درگیری آغاز شده بین دو کشور، یکی از مرگبارترین درگیری هایی پنداشته شد که بویژه پس از بقدرت رسیدن "طالب" ها در کشور، از قوه بفعل مبدل گردید. قطرو ترکیه در برقراری آتش بس مؤقت سهم بارزی ایفا نموده و اما با میانجیگری عربستان، مذاکرات بعدی تا پایان سال یادشده ادامه یافته و از سرگیری درگیری ها متوقف گردید. در امتداد ماه دلو سال ۱۴۰۴ خورشیدی، مسجدی در اسلام آباد مورد بمب گذاری انتحاری قرار گرفته و بدنبال آن، بتاريخ ۲۸ ماه دلو سال یادشده، حمله ای در باجور توسط طالب های پاکستانی صورت گرفت. شعبه ها و سازمان های استخباراتی آنکشور مدعی گردیدند که حملات یادشده در افغانستان سازماندهی گردیده بود که پس از آن، نظامیان پاکستانی نیز بر پایگاه ها و مراکز شبه نظامیان در ولایت های ننگرهار و پکتیکا، بانجام حملات هوایی مبادرت ورزیدند.

وضعیت اینچنینی، حملات تلافی جویانه "طالب" ها را در امتداد "خط دیورند" بدنبال داشت. همچنان بتاريخ ۲۵ ماه حوت سال یادشده، یورش و حملات قوت های هوایی نظامیان پاکستانی بر مرکز تداوی معتادان در کابل، در نوع خود به مرگبارترین حادثه برای عده ای از شهروندان غیر نظامی کشور مبدل گردید. طرف پاکستانی ادعاً نمود که به تأسیسات جنگی طالب های پاکستانی در سرزمین افغانستان حمله نموده است، اما هیأت کمک و معاونت رسانی سازمان ملل در کشور ما، مرگ حداقل ۲۶۹ تن از شهروندان ملکی کشور را تأیید نمود. دوره آرامش بین طرفین، زود گذر بود، چه، درگیری های مسلحانه پس از ختم مدت زمان آتش بس، همچنان از سر گرفته شد.

در پایان نبشته حاضر، بمثابة نتیجه گیری و جمع بندی از آنهمه موارد گفته آمده، خاطرنشان می گردد که آتش انتقام و افراط گرایی خشونت آمیز، جرقه بی پایانی از تخریب، رنج و نابودی پنداشته می شود که هیچ برنده ای ندارد، چه، انتقام سبب می گردد تا طرف مقابل نیز بدنبال تلافی شده که در چنین وضعیتی، روند یادشده متوقف نمی گردد. افراط گرایی آرامش جامعه را از بین برده، هرأس و بی اعتمادی ایجاد نموده، میل باننتقام، ذهن و روح انسان را درگیر خشم همیشگی نموده و اجازه پیشرفت نمی دهد. راه حل چنین پیشنهاد می گردد: بجای انتقام شخصی، باید راه مدارا را برگزیده، به قانون اعتماد نموده و عدالت را گسترش بخشید. بخشش بمفهوم فراموشی نبوده، بلکه راه نمودن زنجیر خشم می باشد که گفتگو و بخشایش در اولویت قرار داده می شود. بمنظور ریشه یابی قضایا و جلوگیری از افراط گرایی، با بی عدالتی، جهل و فقر باید مبارزه نمود. یافته ها، مقیاس افراط گرایی خشونت آمیز را بمثابة ابزار قابل اعتمادی بمنظور ارزیابی نگرشها در جامعه افغانی تثبیت می کنند. آنچه از شهروندانی که گرایش های افراط گرایی خشونت آمیز از خود نشان می دهند، بویژه تمایل قابل توجهی به تأیید خشونت اجتماعی علیه بانوان نشان داده و اغلب استفاده از ابزارهای خشونت آمیز و غیر قانونی شان را توجیه می نمایند. راهکارهای مقابله و پیشگیری عبارتند از: توسعه پایدار عدالت اجتماعی و کاهش شکاف های طبقاتی، آموزش تفکر انتقادی، روایت های جایگزین و توانمند سازی جوامع محلی.

یکشنبه ۸ ماه سنبله سال ۱۴۰۵ خورشیدی، برابر با ۳۰ ماه اگست سال ۲۰۲۶ ترسایی